

## تکامل شنوایی با مداخله زودهنگام

کودک کم شنوای را بعد از توان بخشی رها نکنید!

۳

## معلول یا فرد دارای معلولیت؟!

نگاهی جهانی بر اهمیت زبان در مواجهه با معلولان

۷

## عصای سپید، صحنه سیاه

هم نشینی با گروه تئاتری که بازیگرانش نابینا و کم بینا هستند

۵۰۴



ویژه نابینایان

## طوماری برای احقاق حق



زهره الوندی

امضای طومار نخستین کمپین تصویب لایحه حمایت از معلولان، دهم فروردین ماه ۹۶ از تهران آغاز و سپس سراسری شد و آذرماه ۹۶ در مشهد به پایان رسید. این طومار شامل بیش از ۲ هزار امضا از سوی جامعه هدف و همچنین تعدادی از مسئولان بود که با هدف تسریع در روند تصویب «لایحه حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت» امضا و از سوی نماینده مردم مشهد در مجلس شورای اسلامی قرائت، و به نمایش گذارده شد. طومار نخستین کمپین تصویب لایحه حمایت از معلولان که اولین گام تعدادی از افراد دارای معلولیت برای احقاق حقوقشان بود، دی ماه همان سال و پس از حدود ۴۰ سال انتظار به نتیجه رسید و نمایندگان مردم در خانه ملت این لایحه را تصویب کردند.

بر اساس این مصوبه، بودجه‌ای که بهزیستی در سال ۹۷ برای اجرای قانون حمایت از حقوق معلولان برآورد کرده بود، ۱۲ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان بود، اما کل بودجه اختصاصی سازمان برنامه و بودجه کشور به بهزیستی، ۲ هزار و ۹۰۰ میلیارد تومان بود که با پیگیری‌های فعالان مدنی حوزه معلولان، هزار و ۱۰۰ میلیارد تومان به آن افزوده شد. ضمانت اجرایی سه‌دهه‌ای استخدام معلولان، راه‌اندازی صندوق فرصت‌های شغلی با اعتبارات دولتی برای سرمایه‌گذاری‌های کلان در راستای اشتغال معلولان، مناسب‌سازی، دسترس پذیری و تردد و تحرک، خدمات بهداشتی، درمانی و توان بخشی، امور ورزشی، فرهنگی، هنری و آموزشی، کار آفرینی و اشتغال، مسکن، فرهنگ‌سازی و ارتقای آگاهی‌های عمومی، حمایت‌های قضایی و تسهیلات مالیاتی، معیشت و حمایت‌های اداری و استخدامی و برنامه‌ریزی، نظارت و منابع مالی نیز از دیگر مسائلی بود که مقرر شد در این قانون به آن‌ها پرداخته شود؛ اما اواخر سال گذشته که از تصویب قانون حمایت از حقوق افراد دارای معلولیت یک‌سال گذشته بود، نه تنها در راستای تحقق این قانون هیچ اقدام در خور توجهی صورت نگرفت، بلکه بودجه مورد نیاز نیز تخصیص نیافت.

روند بی‌مهری به جامعه معلولان با وجود مصوبات قانونی در حالی ادامه یافت که در بودجه ۹۸ به طور کلی قانون حمایت از معلولان نادیده گرفته شد. این موضوع در حالی است که «محمد نقریه» که به تازگی بر مسند معاونت توان بخشی سازمان بهزیستی کشور نشست، اعتبار مورد نیاز برای تحقق قانون حمایت از معلولان را با توجه به نرخ تورم در سال ۹۸ بیش از ۱۶ هزار میلیارد تومان اعلام کرده است. بودجه‌ای که، جامعه و انجمن دفاع از حقوق معلولان هنوز امید خود را برای تحقق آن از دست نداده و امضای دومین طومار را آغاز کرده‌اند. این طومار با عنوان «تأمین بودجه و اجرای کامل قانون معلولان و تصویب نامه سال ۹۴ هیئت دولت» از مشهد آغاز شده است. طوماری که پیش‌بینی می‌شود این بار با امضاهای بیشتری راهی خانه ملت شود، زیرا دیگر اقسار جامعه نیز پای کار آمده و خواستار احقاق حقوق معلولان هستند.

توان‌شهر / ماهنامه معلولان مشهد



## مجمع خیرین مناسب‌ساز کشور

گزارشی از آیین تجلیل از فعالان عرصه مناسب‌سازی محیط ویژه معلولان مشهد



علی صدیقی‌جوان

معلولان و جانبازان، بخشی از افراد جامعه‌اند که همچون دیگران، نیازمند دسترسی و امکانات و خدمات عمومی هستند، اما وجود برخی موانع به‌خصوص در نحوه طراحی معماری و شهرسازی، بسیاری از فضاهای شهری را فاقد شرایط لازم برای برآورده ساختن نیازهای دسترسی افراد معلول کرده است. شهروندان از هر معلولیتی که برخوردار باشند، با وجود برخوردار بودن از قوانین بهره‌مندی از حقوق شهروندی همچون دیگران، در عمل به دلیل طراحی‌ها و ساخت‌وسازهای غیراصولی و به دور از حداقل استانداردها، از دسترسی آسان به مکان‌های عمومی شهر محروم‌اند. بنابراین از طریق مناسب‌سازی میلمان و تجهیزات شهری می‌توان درصد بالایی از مشکلاتشان را از میان برداشت. از آنجا که بیشترین مشکل حرکتی را معلولان ویلچری دارند و صندلی چرخ‌دار پردردسرتترین وسیله کمکی از نظر حجم، وزن و اشغال جاست، مناسب‌سازی معابر و اماکن عمومی، بخش زیادی از مشکلات این قشر را حل می‌کند. جنبش مناسب‌سازی محیط، اقدامی مثبت برای دسترس پذیری فیزیکی در شهر است که از جندی پیش و به کوشش بهزیستی خراسان رضوی کلید خورد. هم‌زمان با راه‌اندازی این طرح و به منظور کسب حمایت‌های متعدد مادی و معنوی برای آسایش شهروندان دارای معلولیت، تعدادی از شهرداران، فرمانداران، خیران و جمعی از اعضای کمیته‌های مناسب‌سازی استان در آسایشگاه شهید بهشتی مشهد دور هم جمع شدند و در این راستا، «اولین مجمع خیرین مناسب‌ساز کشور» را راه‌اندازی کردند.

### تیبین ساختارها و تقویت زیرساخت‌ها

رئیس هیئت‌مدیره مجمع خیرین مناسب‌ساز، در آغاز فعالیت این تشکل مردم‌نهاد به ۲ محور اصلی برای پیشبرد امور اشاره کرد و گفت: گام نخست برای رسیدن به اهدافمان در مجمع، تبیین ساختارها و تقویت زیرساخت‌های عملی برای معلولان است؛ به نحوی که با استناد به قانون جامع حمایت از افراد دارای معلولیت بتوانیم نیازهای لازم را برطرف کنیم. سید سعید سیدزادگان افزود: حضور مثبت و سازنده ارکان صنعت استان در این مجمع، این امکان را به ما خواهد داد تا بتوانیم ضمن تعامل مطلوب با دستگاه‌های دولتی و یادآوری وظایفشان در قبال جامعه هدف، در راستای مناسب‌سازی محیطی و حتی فرهنگی آنان اقدامات لازم را انجام دهیم. وی با اشاره به گام دوم این مجمع اظهار کرد: اشتغال و خودکفایی معلولان دومین گام این تشکل مردم‌نهاد است. با توجه به اینکه صنعتگران و کارآفرینان در مجمع حضور دارند، بنابراین ما متناسب با توانایی‌ها، وضعیت جسمانی و سطح تحصیلات افراد دارای معلولیت، مشاغل در شأن آنان ایجاد کنیم تا ضمن حفظ عزت نفس آن‌ها، بتوانیم کمک بیشتری به این قشر داشته باشیم.

رئیس هیئت‌مدیره مجمع خیرین مناسب‌ساز همچنین گفت: تمامی موارد یادشده را قطعاً با مشاوره افراد دارای معلولیت انجام می‌دهیم؛ زیرا معتقدیم نمی‌توان بدون معلولان، برای معلولان تصمیم گرفت؛ لذا از هم‌فکری اقسار مختلف افراد دارای معلولیت برای کمک به جامعه هدفشان بهره خواهیم برد.

### بهره‌برداری از نرم‌افزار چشم شهر

شهردار مشهد نیز در حاشیه مراسم تقدیر از فعالان مناسب‌سازی محیط برای معلولان، مناسب‌سازی فضاها و محیط‌ها را علاوه بر استفاده معلولان، برای دیگر شهروندان و به‌ویژه کسانی که با کالسکه کودک تردد دارند نیز مفید دانست و گفت: یکی از اولویت‌های اصلی شهرداری مشهد مناسب‌سازی محیط برای معلولان است. این مشکل در طول زمان انباشته شده و واقعه‌میزی آن کار بسیار سختی است.

محمد رضا کلائی با تأکید بر اینکه «نرم‌افزار چشم شهر» در شهرداری مشهد طراحی و آماده شده است، اظهار کرد: این نرم‌افزار تا پایان خردادماه در اختیار شهروندان و به‌ویژه معلولان قرار می‌گیرد و شهروندان روی نقشه مشخص می‌کنند که کجا نیازمند مناسب‌سازی محیط در شهر است و شهرداری هم نسبت به رفع آن مشکل و مناسب‌سازی آن اقدام می‌کند و از معاونت عمرانی شهرداری نیز خواستیم که این اقدام را هر چه سریع‌تر انجام و پوشش دهد.

شهردار مشهد همچنین با گلایه از کم‌رنگ بودن مشارکت تشکل‌های افراد دارای معلولیت با شهرداری گفت: در برخی موضوعات مربوط به معلولان

با محوریت مناسب‌سازی، نیازمند بازوی فکری هستیم. در جلساتی که با سازمان بهزیستی داشتیم، درخواست کردیم که افراد معلول و یا افرادی که در سمن‌های معلولان فعال هستند، شورایی هشت‌نفره تشکیل دهند و موضوعاتی از این دست را سیاست‌گذاری کنند. متأسفانه با وجود پیگیری تا این لحظه این شورا تشکیل نشده است.

### خراسان رضوی رتبه نخست مناسب‌سازی

جانشین دبیرخانه ستاد هماهنگی و پیگیری مناسب‌سازی کشور نیز در آیین تقدیر از خیرین و فعالان مناسب‌سازی محیط برای افراد دارای معلولیت اظهار کرد: سال ۹۴ اعلام کردیم که جایگاه خراسان رضوی در مناسب‌سازی خوب نیست و باید در جایگاه بالاتری قرار بگیرد.

سیدحسین خادم‌الحسینی ادامه داد: با همت مدیر کل بهزیستی خراسان رضوی و معاونت توان بخشی بهزیستی این استان در مدت ۴ دوره ارزیابی که در زمینه مناسب‌سازی محیط برای معلولان این استان شده است، اکنون خراسان رضوی جایگاه اول مناسب‌سازی محیط برای افراد دارای معلولیت را دارد.

وی با اشاره به اینکه در کشور هنوز هم نیازمند بسترسازی فرهنگی در زمینه مناسب‌سازی محیط هستیم، افزود: هنوز هم باید اقدامات بیشتری در زمینه مناسب‌سازی تردد معلولان انجام شود تا افراد دارای معلولیت نیز بتوانند از خدمات شهروندی استفاده کنند.

این مقام مسئول ادامه داد: اگر مناسب‌سازی در سراسر کشور یک موضوع ضروری محسوب می‌شود، این مناسب‌سازی در مشهد یک مسئله مقدس است؛ زیرا علاوه بر استفاده شهروندان مشهدی از مناسب‌سازی محیط، زائران امام هشتم (ع) نیز از آن بهره‌مند می‌شوند.

از دیگر مباحث طرح‌شده در آستانه تشکیل مجمع خیرین مناسب‌ساز، استفاده از ظرفیت‌های این مجمع با تکیه بر مناسب‌سازی فضای کسب و کار افراد دارای معلولیت، رفع مشکلات حمل‌ونقل این افراد، کمک به استقلال آنان برای امکان تردد راحت به محل کسب و کار و متعاقب آن، افزایش توانمندی و نیاز نداشتن به کمک‌های اندک از پیشنهادهای تأمل‌برانگیزی بود که در این مراسم مطرح شد.

### پاراصنعت، مشوقی برای معلولان و کارفرمایان

عضو هیئت‌مدیره مجمع نوین‌یاد خیرین مناسب‌ساز که خود از جوانان فعال در حوزه صنعت است نیز بیان کرد: در کنار راه‌اندازی نخستین مجمع خیرین مناسب‌ساز می‌توان روزی را با عنوان «پاراصنعت» نام‌گذاری کرد. احسان مصطفوی افزود: نام‌گذاری روز پاراصنعت در روز بعد از «روز صنعت» همانند پارالمپیک که پس از المپیک است، به منظور تجلیل از کارفرمایانی که افراد دارای معلولیت را به کار گرفته‌اند و حتی معلولانی که خود کارآفرین محسوب می‌شوند، اقدام ارزشمندی خواهد بود.

درباره توانایی‌های خود اغراق نکنید. قرار نیست به هر قیمتی توجه مثبت دیگران را جلب کنید و حتی محیط را تحت تأثیر قرار دهید. باعث بی‌اعتمادی اطرافیان‌تان نشوید.

# تکامل شنوایی با مداخله زود هنگام

کودک کم شنوا را بعد از توان بخشی رها نکنید!



فرزانه منصوری | شهر آرا

و همچنین خدمات توان بخشی شنوایی-کلامی مرکز کاشت حلزون شنوایی خراسان را ارائه می‌دهد. با این حال این مرکز از استان‌های دیگر مانند سیستان و بلوچستان، کرمان، خراسان شمالی، خراسان جنوبی و حتی استان گلستان مراجعه‌کننده دارد. سری به این مرکز زدیم و برای آشنایی بیشتر با خدمات این مرکز با طیرانی‌نیک‌نژاد گفت‌وگوی کوتاهی انجام دادیم که در ادامه آمده است.

دکتر حمید طیرانی‌نیک‌نژاد، کارشناس ارشد گفتاردرمانی و دکترای زبان شناسی، مدیر و مسئول فنی اولین مرکز توان بخشی خانواده و کودک مبتلا به اختلالات شنوایی در مشهد با عنوان شنواگستر است. این مرکز که از سال ۱۳۸۰ با مجوز سازمان بهزیستی فعالیت خود را آغاز کرده است، خدمات توان بخشی برای کودکان دارای آسیب شنوایی زیر ۶ سال



الهام ظریفیان

از نصف این مبلغ است. با این حال ما همین مبلغ را هم نمی‌توانیم از خانواده‌ها بگیریم. متأسفانه بیشتر بیمه‌ها (بیمه‌های پایه) خدمات توان بخشی را پشتیبانی نمی‌کنند. بهزیستی هم در قالب یارانه حداکثر ۶۵ درصد ظرفیت را به میزان دوسوم شهریه حمایت می‌کند. به خانواده‌هایی که بضاعت مالی نداشته باشند، یارانه تعلق می‌گیرد ولی باید در نوبت قرار بگیرند. یکی از خواسته‌های ما این است که ظرفیت یارانه‌ای این مراکز بیشتر شده و نیز یارانه واقعی را بدهند.

● پذیرش موضوع کم‌شنوایی در خانواده‌ها چه تغییراتی کرده‌است؟ آیا در این سال‌ها آگاهی خانواده‌ها به وظایفی که در قبال این بچه‌ها دارند، افزایش داشته است؟

بله. تشخیص زود هنگام در طرح غربالگری و اطلاع‌رسانی که در کشور درباره کاشت حلزون شنوایی انجام می‌شود، باعث شده اطلاعات خانواده‌ها بیشتر شود و از نظر روان‌شناختی پذیرش بهتری داشته باشند. زمانی خانواده‌ها کم‌شنوایی کودکشان را کتمان می‌کردند. تا موضوع را قبول می‌کردند و احساسات خود را کنترل می‌کردند و برای دریافت سمعک اقدام می‌کردند، چند سال طول می‌کشید. تا می‌آمدند توان بخشی را شروع کنند، بچه چهار یا پنج‌ساله شده و آن دوران طلایی را از دست داده بود. الان خوشبختانه بیشتر بچه‌هایی که به ما مراجعه می‌کنند، زیر یک سال هستند. این می‌تواند یک عامل موفقیت برای ما و خانواده باشد، ولی هنوز خانواده‌هایی را داریم که کم‌شنوایی بچه‌شان را کتمان می‌کنند، برای توان بخشی مراجعه نمی‌کنند، بیرون از خانه که می‌روند بچه از سمعک استفاده نمی‌کند، یا به اقوام و فامیل نمی‌گویند که بچه‌شان کم‌شنواست. هنوز بعضی خانواده‌ها این مسئله را نپذیرفته‌اند. در اینجا اولین کسی که ضرر می‌کند، فرد دارای آسیب شنوایی است که زمان طلایی توان بخشی را از دست می‌دهد.

● شما چه تعداد کودکی دارید که خارج از زمان طلایی مراجعه کرده‌اند یا غربالگری نشده‌اند؟

شاید در مشهد کمتر داشته باشیم. در استان‌های محروم این موضوع بیشتر است. در این استان‌ها چون از دواج‌های فAMILI زیاد است، آسیب شنوایی مادرزادی نیز بیشتر است. از هر ۱۰ مراجعه‌ای که به مرکز کاشت حلزون شنوایی خراسان می‌شود، حداقل یک یا دو نفر از استان‌های محروم هستند که کم‌شنوایی آن‌ها دیر تشخیص داده شده، یا اینکه تشخیص داده شده ولی به علت فقر خانواده پیگیری نشده است. قیمت سمعک به شدت بالا رفته و میانگین یک جفت آن به حدود ۱۰ میلیون تومان رسیده است. بیمه‌ها هم این موارد را خیلی پوشش نمی‌دهند. بهزیستی شاید نتواند سمعک را به موقع در اختیار بگذارد. اگر هم بگذارد حداکثر برای یک گوش سمعک می‌دهد. سمعک دیگر را خود خانواده باید تهیه کند. انتظاری که ما از بهزیستی داریم این است که اولاً خانواده‌ها را از لحاظ تجویز سمعک به موقع هدایت کند. ثانیاً سمعک متناسب با افت شنوایی کودک باشد و اینکه برای هر دو گوش تجویز شود.

زیاد دانش آموز تا معلم و سرعت بالای گفتار، این امکان وجود دارد. این موضوع یعنی توان بخشی مستمر، به ویژه در سال‌های آینده تحصیلی و شغلی فرد به شکل دیگری اهمیت پیدا می‌کند. چنان که برخی از دانش‌آموزان اگر به شکل کاملی توان بخشی نشده باشند، ممکن است در پایه‌های تحصیلی آینده در بعضی از مهارت‌ها مشکل داشته باشند. مثلاً در درک مفاهیم انتزاعی، نوشتن انشا، خواندن و درک اشعار، این اشکالات بیشتر بروز می‌کند.

● این بچه‌ها بعد از ورود به مدارس عادی چه خدماتی دریافت می‌کنند؟

اگر خود خانواده پیگیری باشد، این خدمات هم در بخش دولتی و هم غیردولتی ارائه می‌شود. مثلاً اگر آموزش و پرورش معلمانی تلفیقی کافی داشته باشد، ممکن است هفته‌ای یک روز این بچه‌ها را در مدرسه پشتیبانی کند که البته عمومیت ندارد و کفایت هم نمی‌کند. اینجاست که خانواده باید نقش بیشتری، هم به عنوان درمانگر و هم یک معلم دلسوز ایفا کند.

● چه شد که به فکر تأسیس این مرکز افتادید؟

شنوا گستر در زمان تأسیس، دومین مرکز در کشور و اولین مرکز در شرق کشور بود. آن زمان کسی این ریسک را نمی‌کرد اما من بنا به علاقه خودم و اینکه پایان‌نامه کارشناسی ارشد در موضوع توان بخشی این کودکان بود و همچنین ترغیب و تشویق استادان خوبم مانند دکتر قاسمی و دکتر مختاری این مرکز را با حضور وزیر بهداشت وقت، دکتر محمد فرهادی و معاونت توان بخشی وقت کشور دکتر محمد کمالی افتتاح کردم. همچنین از سال ۱۳۷۵ که مرکز کاشت حلزون شنوایی خراسان در مشهد راه‌اندازی شد، به عنوان سرپرست توان بخشی این مرکز فعالیت می‌کنم. اکنون در کشور نزدیک به ۸۰ مرکز توان بخشی خانواده و کودک کم‌شنوا داریم که ۵ مورد آن در خراسان رضوی است. از این تعداد ۳ مرکز در مشهد، یک مرکز در سبزوار و یک مرکز هم در کاشمر فعال است.

● چرا کسی حاضر نبود این ریسک را انجام دهد؟

شاید کسی فکر نمی‌کرد این کار شدنی باشد. دغدغه مالی هم وجود داشت. شاید اگر بهزیستی و مرکز کاشت حلزون حمایت نمی‌کردند، ما هم نمی‌توانستیم. به ویژه اینکه آن زمان بحث غربالگری شنوایی خیلی مطرح نبود و کم‌شنوایی خیلی دیر تشخیص داده می‌شد. بچه‌ها را در ۴، ۵ یا ۶ سالگی پیش ما می‌آوردند که در این سن دیگر توان بخشی خیلی اثربخش نبود. بحث کاشت حلزون هم خیلی مطرح نبود. سمعک‌های هوشمند آن زمان وجود نداشتند. از سویی خانواده‌ها خیلی به توان بخشی اهمیت نمی‌دادند اما بنا به ضرورت این ریسک را کردیم.

● در این سال‌ها بیشتر با چه چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌اید؟

بیشتر خانواده‌هایی که به ما مراجعه می‌کنند، مشکلات مالی فراوانی دارند و به همین دلیل توان پرداخت شهریه را ندارند. طبق برآوردی که کردیم، هر کودک کم‌شنوا ماهیانه ۱/۵ میلیون تومان هزینه می‌خواهد اما شهریه‌ای که بهزیستی مشخص کرده، کمتر

● در گذشته تصور می‌شد کودکانی که مادرزادی ناشنوا یا کم‌شنوا متولد می‌شوند، کرولال خواهند شد و قادر به درک گفتار و در نتیجه کاربرد و تولید گفتار نخواهند بود. این انگاره امروز چه تغییری کرده است؟

امروز دیگر واژه «ناشنوا» به این کودکان اطلاق نمی‌شود. عبارتی که امروز برای این کودکان استفاده می‌شود، «کم‌شنوا» است. زیرا تمامی این کودکان یک باقی‌مانده شنوایی دارند که اگر از آن خوب استفاده شود، می‌تواند در پیشرفت مهارت‌های زبانی و گفتاری بسیار تأثیرگذار باشد. به طور خلاصه تشخیص زود هنگام، انتخاب روش توان بخشی مناسب، ظرفیت یادگیری فرد دارای آسیب شنوایی و همکاری و مشارکت والدین تضمین‌کننده رشد و پیشرفت کودک کم‌شنواست.

● اکنون غربالگری شنوایی برای همه کودکان در بدو تولد انجام می‌شود؟

بله. خوشبختانه طرح غربالگری شنوایی مدت‌هاست به صورت جدی و پیگیر در خیلی از شهرهای بزرگ و کوچک انجام می‌شود. در بیشتر بیمارستان‌های مشهد هم این طرح اجرایی شده است. اگر کم‌شنوایی کودک تا یک ماهگی تشخیص داده شود و تا سه ماهگی یک وسیله کمک‌شنوایی مانند سمعک مناسب برای او تجویز شود و در نهایت تا قبل از شش ماهگی توان بخشی روی کودک شروع شود، کودک می‌تواند مراحل عادی رشد را مشابه کودکان شنوا طی کند؛ همچنان که نمونه‌های موفق بسیاری را تاکنون داشته‌ایم.

● نقش خانواده در این میان چیست؟

خانواده در فرایند توان بخشی نقشی کاملاً فعال و کارآمد دارد. توان بخشی در بچه‌هایی بیشتر موفقیت‌آمیز است که والدین آن‌ها مشارکت بیشتری دارند. از دیدگاه علم جدید، خانواده در مانگر اصلی است. ما در این مرکز علاوه بر برگزاری کلاس‌های آموزشی گروهی و زبان‌آموزی به شکل بازی، نمایشی و ریتمیک، جلسات تخصصی مانند گفتاردرمانی، شنوایی‌شناسی، توان بخشی شنوایی، مشاوره، موسیقی‌درمانی و آموزش به والدین هم داریم.

● هدف اصلی در توان بخشی کودکان کم‌شنوا در این مرکز چیست؟

تمام تلاش همکاران و خانواده‌های کودکان دارای آسیب شنوایی در دهه‌های قبل، این بود که حداکثر نتوانند بچه‌ها را وارد مدارس استثنایی کنند؛ اما اکنون هدف این است که بچه‌ها بتوانند وارد مدارس عادی شوند.

● چند درصد از خروجی این مراکز وارد مدارس عادی می‌شوند؟

طبق آماري که داریم نزدیک به ۸۰ درصد این بچه‌ها توانایی این را دارند که وارد مدارس عادی شوند، نقش والدین در اینجا اهمیت پیدا می‌کند. خیلی مهم است که خانواده‌ها بدانند پس از آن کودک را رها نکنند. این کودکان هنوز هم باید زیر نظر باشند و از جلسات گفتاردرمانی استفاده کنند که کم‌کم متکی به «لب‌خوانی» نشوند. چون به دلیل شلوغی کلاس‌ها، فاصله

با انتظار معجزه، زندگی خودتان را متوقف نکنید. بسیاری از معلولان به انتظار معجزه‌اند تا شفا یابند. روال طبیعی زندگی‌تان را طی کنید؛ اگر معجزه‌های رخ داد، چه بهتر.





ویژه نابینایان

### ● حتی بهتر از بقیه

هنوز صحبت‌مان را شروع نکرده بودیم که صدایی از یک صحبت دور تند از گوشی افشین پخش می‌شود! بچه‌ها می‌زنند زیر خنده. «این چیه افشین؟ چی می‌گه؟ می‌فهمی اصلاً؟ فقط داره قُل قُل می‌کنه!»

افشین گوشی را به چشم‌هایش نزدیک می‌کند تا سعی کند بفهمد چه شده و چه چیزی پخش می‌شود! به سختی کلید پاز را لمس می‌کند و با خنده می‌گوید: «کردی حرف می‌زنه!» من که زبان مادری‌ام کردی است، می‌فهمم یک چیزی گفته تا بچه‌ها بخندند، چون اصلیت افشین، کرد یا کرمانج سمت قوچان است. داخل سالن تئاتر بهار مشهد نشستیم. نور کم است اما این موضوع من را اذیت می‌کند و مهدیه، عکاس روزنامه را کفری! چون هیچ کدام از این ۷ نفری که مقابل من، روی صندلی تماشاچیان نشسته‌اند، یا نمی‌بینند یا کم می‌بینند.

افشین محمدزاده (که البته با نوید محمدزاده نسبتی ندارد)، بازیگر و کارگردان گروه، ۳۲ ساله است و لیسانس جامعه‌شناسی دارد. عاطفه محمدآبادی، عفت بیات، فائزه محمدآبادی، لاله فاضلی و افسانه پاساد هم ۵ بازیگر زن این نمایش هستند، به علاوه مهلا بهادر بهاری بازیگر ششم که بیناست و فاطمه شاکری که مسئول افکت است. ۴۰ سال است که این گروه در کنار هم کار تئاتر می‌کنند و حدود ۱۰ نمایش را تمرین کرده‌اند و برخی را روی صحنه برده‌اند و مقام‌های خوبی هم کسب کرده‌اند. کار تئاتر را ۹۳ با مرحوم رضا جوان شروع و در جشنواره‌های معلولان متعددی شرکت و در یکی از این جشنواره‌ها ۸ عنوان و جایزه کسب کرده‌اند. اجرای بچه‌ها آن قدر خوب بوده که برای نمایش «کبوتری ناگهان» سه نفر از ۶ بازیگر زن، مقام اول تا سوم را کسب کرده‌اند؛ مهلا مقام اول بازیگری زن، فائزه مقام دوم و عاطفه مقام سوم؛ آن هم در صورتی که یکی از بازیگران بینایی بنام تئاتر مشهد، توانسته رتبه سوم مشترک را بگیرد.

### ● هدف، سختی‌ها را آسان می‌کند

اولین سؤالی که به ذهن هر آدم بینا و سالمی می‌رسد، این است که چرا تئاتر؟ آن هم وقتی خودتان نمی‌توانید یک تئاتر را ببینید! تناقض عجیبی است، بازیگری کسانی که نمی‌توانند کار خودشان یا اجزای صحنه را ببینند. آدم سالم هم سخت می‌تواند وارد تئاتر شود و باید خیلی تمرین داشته باشد، چه برسد به اینکه یکی از مهم‌ترین حواس مورد نیازش در این رشته را نداشته باشد. فائزه، انگار که دست روی دلش گذاشته باشم، زودتر از بقیه شروع کرد به توضیح دادن: «هدفم این بود که خودم و افراد نابینا و کم‌بینا رو به جامعه بشناسونم و اون توانمندی‌هایی که داریم رو نشون بدم. شاید نتونیم خوب ببینیم اما می‌تونیم مثل بقیه بازیگرهای تئاتر ظاهر بشیم و در کنارشون بازی کنیم.» بقیه بچه‌ها هم به علاقه‌شان در تئاتر اشاره کردند. چیزی که آن‌ها را هول داده بود تا برای شکوفاکردن استعدادشان، هر قدر که سخت باشد و سختی بکشند، نهایت تلاششان را بکنند و خودشان را به بقیه ثابت کنند.

### ● تئاتر سراسر شور است و انگیزه

استعداد بازیگری این بچه‌ها را اولین بار مرحوم رضا جوان کشف کرد. آقای جوان با معلولان جسمی و حرکتی تئاتر کار کرده و در یکی از کارهایش از افراد نابینا و کم‌بینا استفاده می‌کند. این موضوع باعث می‌شود در جدیدی به روی این بچه‌ها باز شود. دری که به راهی دور و دراز منتهی می‌شود و آن‌ها را وارد دنیای جدیدی می‌کند. عاطفه از اعتماد به نفسی که این کار به آن‌ها داده می‌گوید: از احساس خوبی که باعث شده بچه‌های گروه خجالت‌ها، ترس‌ها، ناراحتی‌ها، افسردگی‌ها و ... را کنار بگذارند و حتی از این طریق درمان شوند. «بعضی بچه‌ها خیلی گوشه‌گیر و منزوی بودن و حتی سلام کردن توی جمع براشون سخت بود، اما آقای جوان باعث شد بچه‌ها از طریق تئاتر درمان بشن، توی جمع صحبت و جلو جمعیت بازی کنن.» فائزه، که خواهر کوچک‌تر عاطفه است، حرف‌هایش را تکمیل کرد: «بین

بچه‌های جسمی - حرکتی هم افرادی بودن که از تئاتر انگیزه گرفتن و درمان شدن. مثل کسی که نمی‌تونست راه بره و روی ویلچر بود، اما علاقه‌اش به تئاتر باعث شد درمان بشه و روی پای خودش بایسته و راه بره.»

### ● روی سن، بدون عصا

بازی بچه‌ها روی سن را در ذهنم تصور می‌کردم. از اول مصاحبه، تازه یادم افتاده بود که تئاتر یک صحنه و دکوری دارد که بازیگران باید در آن بازی کنند. چطور در این صحنه راه می‌روند و جای اشیاء را پیدا می‌کنند؟ فائزه گفت: «اول باید با صحنه و دکور آشنا بشیم. روی سن آروم راه می‌ریم و ابعاد سن رو به ذهنمون می‌سپاریم. روی سن در قسمت‌هایی که نیاز به حرکت علامت‌گذاری می‌کنیم. مثلاً یک چیزی می‌ذاریم روی زمین که وقتی به اون می‌رسیم، یعنی باید بایستیم یا اینجا همون جاییه که باید فلان کار رو انجام بدیم. یک راه دیگه هم شمردن قدم‌هاست. البته همه این‌ها باعث می‌شه تمرین ما دوبرابر افراد عادی باشه. شناختن همه اجزای میزانشن و دکور و بعد چندبار اجرای نمایش توی همون صحنه، تا تک‌تک اجزای توی ذهنمون ثبت بشه، خیلی زمان می‌بره.»

یادم آمد از داستانی که باید برای کلاس داستان‌نویسی می‌نوشتیم. داستان از زبان یک نابینا بود و برای اینکه بتوانم مطلب خوبی بنویسم، سعی کردم مدتی با چشم‌های بسته کارهای روزمره‌ام را انجام بدهم. آن موقع بود که فهمیدم ضرب‌المثل «مثل آب خوردن است» اصلاً مثل بجایی نیست! آب خوردن برای یک نابینا خیلی هم سخت است! من که سال‌ها توی خانه‌ام زندگی کرده بودم و همه چیز را هزاران بار با چشم دیده بودم، نمی‌توانستم لیوان را پیدا کنم و از پارچ آب بریزم داخلش. این بود که سخت بودن تمرین تئاتر بچه‌ها را درک کردم. اجرای نمایش تئاتر با بچه‌های نابینا خیلی سخت خواهد بود.

افشین که حس کرده بود در ذهنم به این نتیجه رسیده‌ام، گفت: «البته نابیناها توانایی‌های دیگه‌ای دارن که افراد سالم ندارن. مثلاً ما بهتر می‌شنویم و حافظه‌مون خیلی بهتر از بقیه است.» بعد همه

# عصای سپید

هم‌نشینی با گروه تئاتری که بازیگر

به‌تازگی فیلمی ساخته هندوستان به اسم «ملودی و نابیناست». در دقیقه ۱۷ فیلم متوجه می‌شویم «آ جالب است؛ آدم اگر یکی از حواسش را از دست روی چشمش لنز سفید می‌گذارد تا جایی را نبیند در ذهنم به وجود آمد، این بود که آکاش چطور کل یک گروه تئاتر نابینا و کم‌بینا و دوباره همان سؤال و دکور صحنه را تشخیص می‌دهند، درحالی‌که ت



فرانک باباپور

با هم تأیید کردند و ادامه دادند: «ما نمایش‌نامه رو کاملاً حفظ می‌کنیم. برای همین سر ضرب دیالوگ خودمون رو می‌گیم و این طوری نمایش خیلی بهتر می‌شه. مخصوصاً اگر نمایش خوانی باشه.» حفظ کردن نمایش‌نامه هم به این صورت است که کل نمایش را به صورت فایل صوتی درمی‌آورند و در اختیار بازیگران قرار می‌دهند. بازیگران آن قدر این فایل صوتی را گوش می‌دهند که تک‌تک دیالوگ‌ها را حفظ کنند. طسوری که حتی دیالوگ بازیگران دیگر را هم حفظ می‌کنند و برعکس بازیگران عادی که به متن متکی هستند، متن را بعد از حفظ کردن به طور کلی کنار می‌گذارند.

### ● بازی کردن نقش آدم‌های بینا

سختی ماجرا اینجاست که بچه‌ها نقش افراد عادی را بازی می‌کنند. پس باید سوای نقشی که گرفته‌اند، نقش بینا بودن

ناامیدی بزرگ‌ترین عامل نابودی زندگی است. انسان با امید زنده است. بعید نیست که معلولیت شما نیز روزی درمان شود. امیدوار باشید.

اول از جامعه تئاتر که تلاش نکرده برای اینکه مخاطب تئاتر بچه‌های نابینا و کم‌بینا به اندازه مخاطبان تئاترهای دیگر باشد. تئاتری‌ها نه در اختصاص محل تمرین، نه در سالن اجرا و نه در تبلیغات کمکی نکرده بودند. فائزه از نمایشی گفت که در سالن عروسی اجرا شده و هیچ‌کس برای تماشا نیاورد، یعنی برای صندلی‌های خالی اجرا کرده‌اند! شاید مسئولان با خودشان خیال کرده‌اند بچه‌ها که نمی‌توانند ببینند، پس صندلی خالی و غیر خالی برایشان فرقی ندارد و چرا این قدر هزینه کنند برای تبلیغات و دیگر چیزها؟! طوری که حتی پوست کارشان را هم جایی نصب نکرده‌اند.

دوم از مسئولان بهزیستی گلایه داشتند. زیرا نه تنها در تأمین بودجه کمکی نکرده بودند، بلکه جایی را هم برای تمرین در اختیارشان نگذاشته بودند. تازه با اینکه چندین تئاتر را با هزینه شخصی روی صحنه برده بودند؛ اما مسئولان بهزیستی به خودشان زحمت رفتن و نشستن پای تماشای کار بچه‌ها را نداده بودند. افشین از اینکه مسئولان بهزیستی این قدر آن‌ها را دست پایین می‌گیرند، آن هم وقتی این همه جایزه برده‌اند و دوره دیده‌اند، خیلی ناراحت بود. او حتی حاضر بود کلاس‌های آموزش بازیگری و کارگردانی را برای دیگر بچه‌های بهزیستی برگزار کند و تجربیاتش را در اختیار علاقه‌مندان تئاتر بگذارد، اما هیچ حرکتی از طرف مسئولان ندیده بود. این تیم آن قدر مهجور و ناآشنا مانده‌اند که هیچ‌وقت اسپانسر هم پیدا نشده که هزینه نمایش‌ها را بر عهده بگیرد یا حتی تهیه‌کننده کارها شود. دلشان آن قدر پر بود که انگار آرزویشان دیگر دیدن نبود، دیده شدن بود! کمترین خواسته بچه‌ها این بود که مسئولان گاهی بین برنامه‌هایشان وقتی را خالی کنند برای دیدن نمایش‌هایشان. گاهی هم اگر برنامه یا همایشی دارند، پول به بقیه ندهند برای اجرای نمایش، از همین بچه‌ها و هنرشان استفاده کنند.

بچه‌ها آن قدر شور و اشتیاق داشتند که به صورت خودجوش گروهی راه انداخته‌اند به اسم «اقیانوس». در اقیانوس همه افراد نابینا و کم‌بینایی که استعداد بازیگری دارند، دور هم جمع شده‌اند و بازیگری را با هم تمرین می‌کنند و برای برنامه‌ها و نمایش‌های بیشتر آماده می‌شوند. آن‌ها درباره کار بعدی و هدفشان می‌پرسم. دلشان می‌خواهد نمایش کبوتری ناگهان را روی صحنه ببرند. کاری که در قسمت خوانش کلی جایزه گرفته است اما درگیر تأمین هزینه و دکور هستند و تا کسی پیدا نشود که هزینه‌ها را تقبل کند، به جایی نمی‌رسند. از افشین می‌پرسم هزینه به اجرا درآوردن این نمایش چقدر است جناب کارگردان؟ کمی مکث می‌کند. از مکثش می‌ترسم. با خودم می‌گویم، حتما دارد با خودش حساب‌های چندین میلیونی می‌کند! افشین بعد از چند لحظه می‌گوید: «تا الان قسمتی از دکور و لباس‌ها رو با هزینه خودمون تأمین کردیم. حدود ۳ میلیون تومن هم هزینه شده.» می‌پرسم چقدر مانده؟ چقدر دیگر پول می‌خواهید که این نمایش را روی صحنه ببرید؟ بلندبلند حساب و کتاب می‌کند: «دو، سه میلیون هم برای بقیه دکور، هزینه اجاره محل نمایش، جای تمرین، تبلیغات و... کلا ۶ میلیون!» راستش جا خوردم! یعنی این بچه‌ها کلا ۶ میلیون تومان لازم دارند تا نتیجه زحمات ماه‌ها تلاششان را ببینند که نه، از عمق دلشان حس کنند؟ آن وقت برای همین مقدار کم نه اسپانسر پیدا شده و نه مسئولی حاضر شده از راه دیگری کمک کند. می‌خواهم در آخر گزارش حق رسانه بودن و خبرنگاری‌ام را ادا کنم و برای گروهی که این قدر کارشان را دوست دارند، تبلیغ ویژه کنم. ۶ میلیون تومان شاید برای این گروه که عشقشان تئاتر است و درآمدی ندارند، پول زیادی باشد، شاید برای من که یک خبرنگار ساده هستم نیز پول زیادی باشد، اما خیلی‌ها هستند که ۶ میلیون تومان برایشان چیزی نیست. اگر چنین اسپانسر یا خیر یا تهیه‌کننده‌ای را می‌شناسید، حتماً با ما اطلاع بدهید تا خبر خوشش را به گروه بدهیم و روزنه روشنی از امید در دل «اقیانوس» روشن شود.



مهديه غفوريان شهر آرا

شما صنم رشتی باشی. از شما توقع همه چیز دارند، اما وقت دادن هر چیز به شما، واهمه می‌کنند، حتی اگر آن چیز خواستی ناقابل باشد. چون از شنیدن حرف‌های شما اکراه می‌کنند. سکه‌ای به شما می‌دهند و می‌گذرند. وقتی صنم رشتی باشی خانوم جان، بی‌محبت می‌مانی...» افسانه که دیالوگ‌هایش را می‌گفت، عفت زیر لب با او همراهی می‌کرد. انگار که یکی از قطعه‌های موسیقی دلخواهش در حال پخش باشد و او همه را حفظ باشد و بخواهد از لب زدن لذت ببرد. فائزه و مهلا هم تکه‌ای از نقششان را اجرا می‌کنند. اجرایی که برای آن مقام اول و دوم بازیگر زن را گرفته‌اند. «- خنق بگیرم من عاقبت از این اخلاق که تو داری! مظلومیت بی‌جهتی است در تو، آدمی را عاصی می‌کند. + باز چه شده مهر آفاق جان؟ - این صنم رشتی کیست که سر و کله‌اش باز پیدا شده و در این شهر خراب شده افتاده دوره به دلبری مردان بزغاله ما؟ + گفته نسبتی دارد با نزهت جهان؟ - نزهت جهان جان! گرگی افتاده میان گله میرزا قشمش‌های ما، آن وقت تو برای من کرشمه صناعی می‌کنی؟ + مهر آفاق جان، مگر حرف و حدیث تازه‌ای است، حرف و حدیث این گرگ‌ها و این میرزا قشمش‌های ما؟ این مردان بزغاله ما به مذاقشان خوش است بازی گرگ و گله. تازه، گرگش بیچاره میشد است پیش این میرزا قشمش‌های ما» بچه‌ها دیالوگ می‌گفتند و سالن تاریک تئاتر بهار نور گرفته بود. انگار نمایشی واقعی در حال اجرا باشد، اما فقط من تماشاچی بودم. به تنهایی نشسته بودم روی سن و اجرای بچه‌ها را از روی صندلی تماشاچیان می‌دیدم. پای اجرایی نشسته بودم که از صدای خوب، تن بالای صدا و دیالوگ‌ها حظ می‌بردم.

#### کاش دیده شویم

بازی خیلی کوتاهی از نمایش بچه‌ها را دیدم و حقیقتاً خوشم آمد اما چیزی بود که آن‌ها را ناراحت می‌کرد. شاید اگر این قدر خوب نبود و برای بازی‌ات جایزه نمی‌گرفتی، هیچ‌وقت توقع نمی‌داشتی که مسئولان به نمایشت توجه کنند و برای به اجرا درآمدن آن آستین بالا بزنند. هر ۷ نفرشان گلایه داشتند؛

## صحنه سیاه

بگرانش نابینا و کم بینا هستند

کاش یا Andhadhun دیدم که شخصیت اول داستان پبانیست کاش» در اصل نابینا نبوده و خودش را به کوری زده، اما استدلالش بدهد، حواس دیگرش قوی می‌شوند و به او کمک می‌کنند. آکاش اما در عوض حسن شنوایی و دقتش را بیشتر کند. اولین سؤالی که رویه‌های روی پبانیو را پیدا می‌کند؟ حالا من نشسته بودم مقابل به ذهن رسید؛ بازیگران چطور روی صحنه راه می‌روند و می‌زنند اکنون این صحنه‌ها را ندیده‌اند؟

را هم بازی کنند. «کبوتری ناگهان» نمایشی بوده که هر کدام از آن‌ها نقش زنی در دوران قاجار را بازی کرده و کل نمایش در مورد زنانگی بوده است. از بچه‌ها می‌خواهم یکی از سکانس‌های کبوتری ناگهان را بازی کنند. مهلا که عضو بینایی گروه است، می‌گوید چون از روی کاغذ می‌خوانده، دیالوگ‌هایش را به یاد ندارد. بقیه می‌گویند عیبی ندارد، کمکش می‌کنند! بعد شروع می‌کنند به مشورت تا قسمتی از نمایش را انتخاب کنند. فرعه به نام افسانه می‌افتد که دیالوگ‌ها را بهتر از همه یادش است. افسانه که نقش «صنم رشتی» را داشت، شروع می‌کند به گفتن دیالوگ‌هایش با لهجه رشتی: «خانوم جان! سعادت نیست صنم رشتی بودن در این ولایت. حکایت دیگری دارند همه آدم‌ها با شما. وقتی صنم رشتی باشی، خصومت می‌افتد میان شما با آدم‌ها و از آن بیشتر ترس. خانوم جان! آدم‌ها از شما می‌ترسند، وقتی





ویژه نابینایان

# ماجراجویی با معلولیت

## گفت‌وگویی با سعید ضروری

### بنیان‌گذار گردشگری ماجراجویانه معلولان ایرانی



تمام آن را تجربه کرده است. سعید، نخستین سفرش را در سال ۲۰۰۹ میلادی و به مقصد هند داشته است و مسیر امروز زندگی‌اش، از دروازه‌های خیال‌انگیز تاج‌محل گذشته است. سعید معتقد است برای آنکه به اهداف ماجراجویانه‌اش برسد، به استقلال مالی و کاری احتیاج دارد و با همین ایده، امروز یک دارالترجمه آنلاین دارد و همچنین با نشریات متعددی کار می‌کند. توان‌شهر در این شماره، نگاهی به فعالیت‌های سعید ضروری دارد که به‌تازگی به‌عنوان نماینده ایران در کمیته بین‌المللی ادونچر تراپی (ماجراجویی درمانی) انتخاب شده است.

گروه توان‌شهر: سفر و گردش یکی از مهم‌ترین فعالیت‌هایی است که همواره به دلیل موانع متعدد فیزیکی و اقتصادی، از دسترس بخش زیادی از افراد دارای معلولیت خارج است. در این میان، یکی از چهره‌های موفق معلولان ایرانی، تعریف جدیدی در حوزه گردشگری افراد دارای معلولیت را به وجود آورده است. گردشگری ماجراجویانه افراد دارای معلولیت، موضوع جذاب و پرهیجانی است که با وجود تمام سختی‌ها در کشور ما در حال انجام است. سعید ضروری، بنیانگذار این گروه است که خود معلولیت بسیار شدید «دیبستروفی عضلانی» دارد؛ معلولیتی پیش‌رونده و بدون درمان که البته آقای ماجراجو،

البته تورهای او مختص معلولان ایرانی است و برای انجام برنامه‌هایش در دیگر شهرهای ایران حمایتی ندارد. تا به حال افراد متعددی از سراسر کشور در برنامه‌های او شرکت کرده‌اند؛ اما برای راه‌اندازی گروه‌های مختلف در دیگر شهرها، تخصص لازم در تورگردانی معلولان را تاکنون در کس دیگری جز خود ندیده است.

#### ماجراجویی درمانی

در حال حاضر سعید ضروری به‌عنوان تنها ایرانی عضو کمیته بین‌المللی ماجراجویی درمانی (ادونچر تراپی) در استرالیا محسوب می‌شود. او در این رابطه می‌گوید: «در تلاش هستیم تا سفرها و ماجراجویی‌ها اثرات مثبت و ملموسی روی ذهن و فکر دوستان ماجراجو و دارای معلولیت‌شان بگذارد. افراد در ماجراجویی درمانی با روی دیگری از سفر آشنا می‌شوند و با کمک استتاره و نمادها با درک‌های جالبی از زندگی و هدفمند بودن آشنا می‌شوند. در اینجا درمان به معنای بهبود طرز فکر و درمان روحیات و احساسات منفی است. افراد در ماجراجویی از دایره امن خود خارج می‌شوند و آماده دریافت اطلاعات و تأثیر پذیری از محیط می‌شوند که ابعاد مختلف روان‌شناسانه و عمیقی در روح و روان دارد.»

#### خودتکایی، تکه گمشده پازل زندگی معلولان

سعید در ادامه گفت‌وگو، به مشکلات و انتظارات خود در مسیر ناهموار ماجراجویی اشاره می‌کند و به مسئله بیمه می‌پردازد: «در حال حاضر هیچ بیمه مسافرتی برای افراد دارای معلولیت نداریم و شرکت‌های بیمه‌ای نیز فقط بیمه مسئولیت یا حوادث را برای ما انجام می‌دهند. این مسئله به بی‌توجهی خود معلولان برمی‌گردد و بیمه‌گذار را خیلی مقصر نمی‌دانم. ما باید برای حقوق ابتدایی یک سفر اقدامات حمایتی لازم را انجام دهیم. از دیگر نکات مهم برای ما، تأمین امنیت سفرهای ماجراجویانه است که کار بسیار سختی است و شرایط ما را ویژه‌تر نیز می‌کند؛ آقای ماجراجو در پایان به دغدغه‌هایش به‌عنوان یک شهروند معلول نیز اشاره کرد و گفت: «حمل‌ونقل عمومی برای حضور اجتماعی معلولان بسیار مهم است و این تأکید است که در سراسر دنیا نیز رعایت می‌شود. در ایران بیشتر به پیاده‌راه‌سازی توجه می‌شود که به نظر من در اولویت دوم است. یک دغدغه مهم دیگر که امثال ما را رنج می‌دهد، تأکید بر ایزوله کردن اجتماعی ماست؛ یعنی ایجاد سرویس ویژه، جشنواره ویژه، مسیر ویژه و نظایر آن، بیش از آنکه احترام باشد، یک خطای راهبردی و عاملی برای جداسازی ماست.»

حمایت توان‌بخشی و داشتن یک ویلچر برقی می‌تواند کمک بزرگی برای راه رفتن و استقلال باشد. انتظار من این است که به‌زودی به جای برپایی همایش‌های پرهزینه بی‌نتیجه، کارگاه‌های خودتکایی و خودباوری برای معلولان بگذارند تا از انزوای اجتماعی درآیند. نباید از تجربه کردن بترسیم و باید به سمت اتفاقات مهم‌تری برویم.

می‌داند؛ هر چند معتقد است که پرسش او با شرایط خاصش با دیگران تفاوت دارد و هر کس باید پرسش را خودش تجربه کند. بنابراین از طرف انجمن ورزش‌های هوایی کشور مسئول تشکیل کمیته پرواز معلولان در این نهاد شده است. او در این باره می‌گوید: «از طریق کمیته ورزش‌های هوایی استان گیلان و با هماهنگی انجمن ورزش‌های هوایی کشور در حال تلاش هستیم تا شرایط قانونی برای خلبان شدن افراد دارای معلولیت فراهم شود و همچنین دیگر استانداردهای پروازهای تفریحی دوفره برای افراد دارای معلولیت تدوین و به مری‌ها و باشگاه‌های هوایی ابلاغ شود. کار بسیار سخت و حساسی است که با کمک مری‌های مطرح کشور انجام خواهد شد. در تلاش هستیم این روند به‌صورت قانونی و با امکان دریافت گواهی‌نامه پرواز معتبر انجام شود.»

#### عبور از کویر ریگ‌جن

او از شخصیت‌هایی است که به دلیل ظاهر آرامش‌چندان به مردمان ماجراجو شبیه نیست، اما شاید جالب باشد که بدانید عبور از عرض کویر مخوف ریگ‌جن، یکی از اقدامات اوست. او می‌گوید: «بعد از اینکه از جنوب تا شمال کویر مرکزی ایران و ریگ‌جن را به‌صورت سافاری طی کردم، پیشنهاد دادم برای گروه‌ها این برنامه به شکلی سبک‌تر برگزار شود. ۵۵۰ کیلومتر را در میان کوه‌ها و بیابان‌ها و رمل‌های کریدیم و ۳ روز در راه بودیم. هیچ جاده و آبادی و انسانی در این مسیر وجود نداشت و بعد از این تجربه با کمک برخی از دوستانم این بار از شرق تا غرب ریگ‌جن را طی کردیم. در این سفر افرادی که برای حضور در این سفر ماجراجویانه اعلام آمادگی کرده بودند، بیش از ۲۵۰ کیلومتر کویرنوردی و آفرود را تجربه کردند. تیم حرفه‌ای و تجهیزات و تجربه و اراده دوستانم در این سفر انجام آن را ممکن کرد.»

#### تجربه حرف اول را می‌زند

سعید که در میان اهالی سفر و ماجراجویی چهره‌ای کاملاً شناخته‌شده است، نقش تجربیات شخصی خودش را بسیار پررنگ می‌داند و می‌گوید: «با وجود معلولیت از اوج آسمان تا اعماق دریا و زمین ماجراجویی و سفر می‌کنم و نه تنها تجربه می‌کنم، بلکه تلاش می‌کنم با تئوری تمام این ورزش‌ها آشنا شوم تا بتوانم برای افرادی که تمایل دارند این کارها را تجربه کنند، شرایطش را فراهم کنم. برای اینکه اطمینان داشته باشم تمام موارد ایمنی و ملاحظات لازم انجام می‌شود، برنامه‌ها را با بهترین گروه‌ها و افراد برگزار می‌کنم و هیچ نهاد و سازمانی تا به امروز از گروه من حمایت نکرده است. حمایت‌ها از سوی گروه‌های متخصص صورت گرفته است و همواره نهایت همکاری را برای خلق لحظات ناب انجام داده‌اند. در جاهای مختلف ایران پرواز و غواصی کرده‌ام و با وجود معلولیت جسمی - حرکتی خیلی شدید، سفرهای طولانی در طبیعت‌های بکر ایران انجام داده‌ام. تجربه این سفرها و برنامه‌ها باعث شده است تا به حوزه ماجراجویی تسلط داشته باشم.»

#### آغاز ماجرا

سال ۱۳۹۳ بود که ایده تشکیل اولین تیم پارا توریسم به ذهنش رسید و رسالتش را بر پایه حداکثر تنوع و خاص بودن برای معلولان گذاشت. طوری که بتوان بر اساس بسته‌های لازم از سفری عجیب لذت برد: «گروه ماجراجویان معلول ایرانی متشکل از افراد دارای معلولیت و افراد غیر معلول است که فراتر از موانع فیزیکی، اجتماعی و فرهنگی به ماجراجویی می‌پردازند. هدف از تشکیل این گروه، نشان دادن توانایی‌های افراد معلول در انجام فعالیت‌های پرهیجان است. فعالیت‌های این گروه در نشان دادن روحیه و نشاط افراد دارای معلولیت با وجود مشکلات و فقر فرهنگی جامعه، تأثیر چشمگیری در فرهنگ‌سازی برای حضور اجتماعی معلولان در جامعه‌ای فراگیر خواهد داشت. تلاش این است که با انعکاس تجربیات و معرفی فعالیت‌های پرهیجان و مختلف، راه را برای تجربه دیگر افرادی که به‌نوعی دارای معلولیت هستند، هموار کنیم. این گروه به دنبال این خواهد بود که افراد با معلولیت‌های شدید بتوانند فعالیت‌های مختلفی از قبیل پرواز با انواع وسایل پرنده فوق سبک مانند هواپیماهای آموزشی، پاراموتور، پاراگلایدر، جاپرو کوپتر، کایت موتوردار و رفتینگ، سقوط آزاد از هواپیما و هلیکوپتر و ورزش‌های پرهیجان آبی، حضور در طبیعت و سفرهای خاص را تجربه کنند.» شرکت در برنامه‌های گروه ماجراجویان معلول ایرانی برای تمام افراد آزاد است و این گروه در تلاش است تا گردشگری تلفیقی (افراد دارای معلولیت در کنار سایر افراد جامعه) را نهادینه کند.

#### قایقرانی در آب‌های خروشان

مفهوم ماجراجویی بسیار عجیب است و برای معلولان عجیب‌تر. شاید یک تلنگر باشد؛ هم برای خودمان و هم دوستان غیر معلول. سعید ضروری به نوعی از قایقرانی می‌اندیشد که گاهی از عهده خیلی‌ها از ما بر نمی‌آید: «این گروه فعالیت‌ها و ورزش‌های آبی را از طریق کمیته افراد دارای معلولیت در انجمن رفتینگ ایران و برنامه کایاک‌سواری در سال ۱۳۹۸ در اطراف تالاب انزلی و رفتینگ (قایقرانی در آب‌های خروشان) را در خرداد ۹۸ برگزار خواهد کرد.» سعید از تجربیات خود چیز چندانی نمی‌گوید و بیشتر دنبال آن است تا توانایی افراد گروهش را نمایان سازد. او خاطره جالبی را از آب و اراده دارد: «برای رفتن به چشمه باد در منجیل که آب بسیار سردی داشت و این سرما یقیناً برای شرایط من مضر بود، مدت‌ها خود را درگیر تلقین مثبت لذت بردن از آب سرد کردم و بی‌صبرانه منتظر رفتن به این غار بودم. باید وارد محیط شویم. هر گونه منتظر ماندن، اشتباه است.»

#### افراد دارای معلولیت خلبان می‌شوند

ضروری، تجربه سه‌بار سقوط آزاد از ارتفاع ۴ هزار متری را از هواپیما دارد و خودش آن را اغلب بر ترس و مفید برای مسیر ماجراجویانه‌اش

توان‌شهر / ماهنامه معلولان مشهد



اگر کسی از معلولیت شما پرسید، بدون هیچ ناراحتی برایش توضیح دهید؛ زیرا به افزایش آگاهی جامعه کمک می‌کنید و باعث تغییر نگاه‌ها خواهید شد.

# معلول یا فرد دارای معلولیت؟!

نگاه جهانی بر اهمیت زبان در مواجهه با معلولان



هدی جاودانی

همواره در طول تاریخ، با افراد دارای معلولیت، در قیاس با دیگر افراد جامعه، به گونه‌ای متفاوت رفتار شده است و مثال‌های تاریک بسیاری، از رفتارهای غیرانسانی و تحقیرآمیز با معلولان وجود دارد؛ از سوزاندن و رها کردن آن‌ها در جنگل‌ها و مناطق دورافتاده تا به انزوا راندن و فراموشی آنان در جامعه. این نگاه تبعیض‌آمیز و به دور از انسانیت در طول جنگ جهانی

دوم و با به‌کارگیری معلولان در کارخانه‌ها، به دلیل کمبود نیروی انسانی تا حدودی بهبود یافت و اولین گام‌های مثبت در شناخت ظرفیت‌های معلولان برداشته شد و در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی، با آغاز جنبش‌های حقوق مدنی، شرایط جوامع در پذیرش معلولان و اعتماد به آنان در نقش‌های اجتماعی بهبود پیدا کرد.

در مواجهه با افراد دارای معلولیت، زبان از اهمیت بسیاری برخوردار است. زبان هر جامعه در پیوند و گفت‌وگوی پیوسته با فرهنگ آن جامعه قرار دارد و در نتیجه، این گفت‌وگو همواره در طول تاریخ دستخوش تغییراتی بوده است. بنابراین تعریف، برداشت‌ها و حدود معلولیت به اقتضای جوامع مختلف و با فرهنگ‌هایی متفاوت، تنوع پیدا می‌کند. در بند اول «کنوانسیون حقوق معلولان» آمده است که معلولیت یک پدیده اجتماعی است و از تعامل افراد دارای «اختلالات بلندمدت فیزیکی، روانی، هوشی و یا حسی با دیگران

ناشی می‌شود. این تعامل ممکن است با موانع و مشکلات بسیاری همراه باشد و از مشارکت اجتماعی مؤثر معلولان، در مقایسه با افرادی که دارای معلولیت نیستند، جلوگیری کند. به عبارت دیگر، معلولیت بیش از آنکه مفهومی بیولوژیک باشد، زاده اجتماع پیرامون خود است. اجتماعی که همواره به رفتارهای تبعیض‌آمیز و نابرابر نسبت به معلولان دامن می‌زند. افراد دارای معلولیت در سراسر دنیا، در به‌کارگیری زبان نسبت به خود، ۲ رویکرد متفاوت را پیش گرفته‌اند. عده‌ای ترجیح می‌دهند «هویت فردی‌شان پیش از معلولیتشان قرار بگیرد»

و برخی نیز تمایل دارند «ابتدا معلولیتشان مورد خطاب قرار بگیرد». آن دسته از افرادی که هویت فردی خود را در اولویت می‌بینند، برخلاف کسانی که معلولیت برایشان اولویت دارد، تمایل ندارند «معلول»، «نابینا» یا «ویلچری» خطاب قرار بگیرند، بلکه ترجیح می‌دهند که «فرد دارای معلولیت»، «فرد ناشنوا» و یا «فرد نابینا» خطاب شوند؛ اما بیشتر قوانین و مقررات مربوط به حقوق معلولان و کنوانسیون حقوق افراد دارای معلولیت سازمان ملل، از بازتاب رویکرد اول، یعنی اولویت هویت فردی بر معلولیت، شکل گرفته است.

بر اساس همین دیدگاه، فرهنگ واژگانی برای اصلاح زبان مورد استفاده برای افراد دارای معلولیت در سراسر دنیا تهیه شده است. طبق این فرهنگ، هنگامی که می‌خواهیم افراد دارای معلولیت را مخاطب قرار دهیم، انتخاب واژگان اهمیت بسیاری پیدا می‌کند. واژگان ما باید محترمانه و در شأن مخاطبان باشد. زبانی که استفاده می‌کنیم، به جای آنکه فرد را با معلولیت او تعریف کند، باید به شرح نوع معلولیت بپردازد. در جدول زیر، نمونه‌هایی از واژگان و اصطلاحات مربوط به انواع معلولیت آورده شده است:

واژگان نامناسب	واژگان مناسب	واژگان نامناسب	واژگان مناسب
معلول، ناقص	افراد ناتوان و کم‌توان، افراد دارای معلولیت	غشی، تشنجی	فردی که دارای صرع است، به اختلال صرع دچار حمله‌ی عصبی می‌شود.
فلج، چلاقی، رنجور، بیچاره، علیل	فرد دارای معلولیت، فرد کم‌توان و ناتوان	دیوانه، مجنون، بی‌عقل، روانی	افراد که دارای اختلالات احساسی هستند، دارای اختلال یا بیماری روانی هستند، از اختلال سلامت روان رنج می‌برند.
فرد عادی، سالم	افراد که دارای معلولیت نیستند، دارای جسم توانا، افرادی که توانایی راه رفتن دارند، افراد بینا، افراد با شنوایی کامل و ...	عقب‌مانده، منگول، کندذهن، ابله، کودن	فردی که دارای اختلال رشد است، دارای سندروم داون است یا دچار آسیب مغزی شده است.
کور، کر	افراد نابینا، افراد ناشنوا یا کم‌شنوا	عقب‌مانده، کندذهن	کسی که دچار اختلال یادگیری است و یا یادگیری او سبب سختی دارد.
ویلچری، زمین‌گیر	فردی که از ویلچر استفاده می‌کند، دارای اختلال حرکتی است.	کوتوله، ریزه	افراد بسیار قدکوتاه
پارکینگ معلولین	پارکینگ با دسترسی آسان، پارکینگ افراد دارای معلولیت	نخاعی، فلج	فردی که دچار آسیب نخاعی شده است، از هر دو پا فلج است.
لال، زبان‌بسته	فردی که توانایی صحبت کردن ندارد، دارای اختلال گفتار است، از زبان اشاره استفاده می‌کند.	ناقص مادرزاد	دارای اختلال مادرزادی یا وراثتی است، دارای ناهنجاری مادرزادی است.
الکن، زبان‌بسته	فردی که دارای اختلال گفتار یا ناتوانی در برقراری ارتباط به صورت گفتاری.	زمین‌گیر	در خانه استراحت می‌کند، برای رسیدن به اتاق خواب بیرون می‌آید.
فلج مغزی	فردی که دچار آسیب مغزی شده است.	پیور، خرف، مجنون	دچار آلزایمر شده است، به دلیل بین بالا، به اختلال در حافظه دچار شده و قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست داده است.
چلاقی، شل، لنگ	فردی که دچار نقص حرکتی است، با کمک عصا راه می‌رود و هنگام راه رفتن با مشکل مواجه است.		

«معلول» بودند و در نهایت واژگانی چون «توان‌خواه» یا «توان‌یاب» را ارائه کردند؛ اما بسیاری بر این عقیده‌اند، که معادل‌های جدید، فارغ از رعایت اصول ساختاری و دستوری زبان، قادر به برقراری ارتباط با جامعه و در نتیجه جایگزین‌های مناسبی نیستند. این افراد بر این باورند که «کاهش مشکلات و معضلات افراد معلول در نفی واقعیت وجودی معلولیت نیست». به عبارت دیگر، ارزش وجودی معلولان به تلاش در عین محدودیت‌های جسمانی است.

اقداماتی که در سراسر دنیا نسبت به حقوق معلولان، به ویژه در حوزه زبان صورت گرفت، زبان فارسی نیز دستخوش تغییراتی شد. در زبان فارسی، علاوه بر پیروی از استانداردهای مورد نظر فرهنگ واژگان و اصطلاحات جهانی جامعه معلولان، یعنی آنچه که در جدول بالا به آن اشاره شد، اقدامات دیگری مانند، معادل‌سازی در حوزه واژگان، صورت گرفته است. در همین راستا، عده‌ای به دلیل ذهنیت منفی بر جای مانده از گذشته، به دنبال یافتن معادلی مناسب‌تر برای واژه

واژه «معلول» در لغت‌نامه دهخدا، معنای «بیمار، علیل، ناخوش و رنجور» دارد و در مقابل واژگانی چون «تندرست و سالم» قرار می‌گیرد. تصویری که از فرد دارای معلولیت در روزگار دهخدا وجود داشته، با معانی بر جای مانده از آن مطابقت دارد. افراد دارای معلولیت در دهه‌های پیشین و طول تاریخ، در وهله اول با نوع معلولیت خود تعریف شده‌اند، فارغ از آنکه آن فرد چه تفکر، مهارت یا ویژگی انسانی منحصر به خود را دارد؛ اما با گذشت زمان و به فراخور



قرار نیست به دلیل معلولیت درباره خود اغراق کنید و طوری جلوه دهید که معلولیت، فرصت قهرمان شدن در زندگی را از شما گرفته است. از خودتان قهرمان خیالی نسازید (برگرفته از کتاب ۱۰۰ راهکار برای معلولین جسمی-حرکتی، اثر فرشاد مؤتمنی).



مراسم بهره برداری از ۱۰۰ دستگاه مینی بوس ناوگان حمل و نقل عمومی



مراسم استقبال از راضیه شیر محمدی، بانوی پارالمپیک مشهد



تقدیر سخن گوی دولت از هادی پیوندی، کارآفرین ضایعه نخاعی



دوره‌می جمعی از اعضای شورای شهر و هنرمندان مشهدی در مجتمع توانیابان



امضای طومار کمپین معلولان مشهد توسط کارکنان مؤسسه فرهنگی شهر آرا



نمایشگاه نقاشی سمانه احسانی نیا